مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal
https://www.taj.edu.af/magazine/index.php
دورۀ دوم، شمارۀ دوم، خزان و زمستان ۱٤۰٤
P- ISSN:2664-9144
E- ISSN:3106-4191
DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.02.I.02.03
تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۷/۴
تاریخ پذیرش : ۱۴۰۴/۱۱/۲۹
تاریخ نشر : ۱۴۰۴/۱۲/۲۷

تحلیل عوامل گرایش جوانان ۱۸– ۳۰ سال به مواد مخدر: مطالعه موردی ولایت پنجشیر

پوهنمل سید ظاهر ناظمی[۱]، روح‌الله ناظمی[۱] و پوهندوی محمد صدیق صدیقی
[۱]

چکیده

گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر یکی از معضلات مهم اجتماعی در افغانستان، به‌ویژه در ولایت پنجشیر، به شمار می‌رود که پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی به همراه دارد. این تحقیق باهدف شناسایی علل گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، تحلیل عوامل زمینه‌ساز و بررسی پیامدهای ناشی از آن انجام‌شده است. روش تحقیق به‌صورت کیفی- کمی بوده و داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های ساختاریافته و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری گردید. اشتراک کنندگان این تحقیق به تعداد ۲۰۰ نفر شامل جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال و برای مصاحبه عمیق ۲۰ نفر ساکن مناطق شهری و روستایی ولایت پنجشیر بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل اقتصادی در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر بیشترین نقش رادارند؛ به‌گونه‌ای که فقر (٪۶۲.۳۱) و بیکاری (٪۵۲.۲۶) مهم‌ترین عوامل شناخته‌شده‌اند و درآمد بالای ناشی از قاچاق مواد نیز به‌عنوان عامل وسوسه‌برانگیز مطرح گردیده است. در بعد خانوادگی، ضعف نظارت والدین و کمبود حمایت عاطفی (٪۳۹) و تعارض‌های خانوادگی (٪۳۷) بیشترین تأثیر را داشته‌اند که نشان‌دهنده نقش بنیادی خانواده در پیشگیری یا تشدید اعتیاد است. در حوزه اجتماعی، فشار همسالان (٪۴۳) برجسته‌ترین عامل به شمار می‌رود و پس‌ازآن وضعیت اقتصادی و دسترسی آسان به مواد قرار دارد؛ امری که اهمیت محیط اجتماعی و گروه دوستان را در شکل‌گیری این پدیده نشان می‌دهد. همچنین در بعد فرهنگی، نبود آموزش‌های پیشگیرانه (٪۶۳) و ضعف ارزش‌ها و باورهای فرهنگی از عوامل کلیدی شناخته‌شده‌اند که بیانگر کمبود آگاهی و تضعیف کنترل فرهنگی در جامعه است. یافته‌های کیفی حاصل از تحلیل مضمون نیز این نتایج را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد نقش همسالان، مشکلات خانوادگی، انگیزه‌های فردی (مانند استرس و کنجکاوی) و همچنین پیامدهای این گرایش شامل پایین آمدن مشارکت تحصیلی، بروز آسیب‌های روانی، افزایش تنش‌های خانوادگی و گسترش رفتارهای پرخطر اجتماعی است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به‌عنوان مبنای علمی برای تدوین سیاست‌های پیشگیرانه، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و اجرای راهکارهای حمایتی در سطح محلی و ملی، باهدف کاهش مصرف مواد مخدر در میان جوانان، مورداستفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: پنجشیر، عامل، عوامل اجتماعی، جوانان، مواد مخدر

[۱] عضو کادر علمی پوهنحی تعلیم وتربیه، پوهنتون پنجشیر، پنجشیر، افغانستان z.nazimi 2017@ gmail.com

مقدمه

الحمد لله رب العالمین والصلاۀ والسلام علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

جوانان به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه انسانی هر جامعه، نقش محوری در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند (مولوی &رسول‌زاده، ۱۳۸۳). سرمایه‌گذاری در سلامت و توانمندی‌های این گروه، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار و کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد. حفظ سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جوانان، پیش‌نیاز افزایش بهره‌وری، مشارکت اجتماعی و خلاقیت آنان در جامعه است (محمدی، جزایری، رفیعی، جوکار، & پورشهباز، ۱۳۸۵). فقدان سلامت روان و جسم موجب کاهش انگیزه تحصیلی و مشارکت اجتماعی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین تهدیدات سلامت و توسعه اجتماعی، گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر است که اثرات فردی و جمعی گسترده‌ای بر جای می‌گذارد، ازجمله کاهش عملکرد تحصیلی، بروز مشکلات روانی و افزایش خشونت و بزهکاری (خانی، صالحی، &احمدی، ۱۳۹۸). مصرف مواد مخدر می‌تواند موجب بروز ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی شود و روابط خانوادگی و اجتماعی جوانان را تحت تأثیر قرار دهد (رحیمی &احمدی، ۱۳۹۹). این پدیده پیامدهای جدی برای امنیت اجتماعی و پایداری خانواده‌ها دارد.

مطالعات جهانی نشان داده‌اند که گرایش به مصرف مواد مخدر تحت تأثیر عوامل چندبعدی فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد (حسینی، کریمی، &رضایی، ۱۳۹۸). این عوامل به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، سطح آسیب‌پذیری جوانان را افزایش می‌دهند. گرایش جوانان به مواد مخدر مشکلات جدی فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند که شامل ترک تحصیل، آسیب‌های روانی، بروز رفتارهای پرخطر و افزایش جرائم مرتبط با مواد می‌شود (صافی &محمدی، ۱۳۹۹).

در سطح فردی، عواملی مانند کنجکاوی، فشار روانی، استرس، افسردگی و ضعف مهارت‌های مقابله‌ای، جوانان را به مصرف مواد مخدر سوق می‌دهند (حسینی، کریمی، &رضایی، ۱۳۹۸). در سطح خانوادگی، ضعف نظارت والدین، تعارضات خانوادگی و کمبود حمایت‌های عاطفی نقش مهمی در گرایش جوانان دارند (رضایی، محمدی، &احمدی، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، می‌تواند نقش پیشگیرانه یا تسهیل‌کننده گرایش به مواد داشته باشد.

بااین‌حال، تحقیقات چشمگیر پیرامون گرایش جوانان به مواد مخدر در افغانستان و به‌ویژه ولایت پنجشیر، موردبررسی کافی قرار نگرفته است. این تحقیق در تلاش است تا این موضوع را به‌صورت جامع موردبررسی قرار دهد. این مطالعه می‌تواند به خانواده‌ها و جامعه کمک کند تا با شناخت عوامل مؤثر، راهکارهای پیشگیرانه مناسبی ارائه دهند و برای مسئولان محلی و سیاست‌گذاران، مبنایی علمی جهت طراحی برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه فراهم کند.

اهداف تحقیق

هدف کلی :بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان ۱۸–۳۰ سال به مواد مخدر در ولایت پنجشیر و پیامدهای آن، به‌منظور ارائه راهکارهای عملی پیشگیری.

اهداف جزئی: شناسایی عوامل فردی و خانوادگی که جوانان را به مصرف مواد مخدر سوق می‌دهد.

۱. تحلیل نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی، ازجمله محیط همسالان و جامعه، در گرایش جوانان.
۲. بررسی پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی گرایش به مواد مخدر در بین جوانان.
۳. ارائه راهکارها و پیشنهادهای عملی برای کاهش گرایش و پیشگیری مؤثر از مصرف مواد مخدر.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی :چه عواملی باعث گرایش جوانان ۱۸–۳۰ سال به مواد مخدر می‌شود و پیامدهای آن چیست؟

پرسش‌های فرعی:

۱. عوامل فردی و خانوادگی مؤثر بر گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر کدام‌اند؟
۲. نقش محیط اجتماعی و همسالان در گرایش جوانان چیست؟
۳. پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی گرایش به مواد مخدر چگونه است؟
٤. چه راهکارها و اقدامات عملی می‌تواند در پیشگیری از گرایش جوانان به مواد مخدر مؤثر باشد؟

پیشینه تحقیق

گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، یکی از پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل چندبعدی فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. تحقیقات جهانی نشان داده‌اند که عوامل فردی مانند اضطراب، افسردگی، کنجکاوی و ضعف مهارت‌های مقابله‌ای، به‌طور مستقیم ریسک گرایش به مصرف مواد را افزایش می‌دهند (ناوی، ۱۴۰۰). به‌عنوان‌مثال، ناوی (۱۴۰۰) نشان داده است نوجوانانی که مهارت‌های مقابله‌ای پایینی دارند و تحت‌فشار روانی هستند، بیشتر در معرض مصرف مواد قرار می‌گیرند. بااین‌حال، این تحقیقات عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته انجام‌شده و به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، نتایج آن‌ها نمی‌تواند مستقیماً شرایط افغانستان را منعکس کند.

در بعد خانوادگی، نقش خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای پیشگیرانه یا تسهیل‌کننده گرایش به مواد مخدر موردتوجه قرارگرفته است. ضعف نظارت والدین، تعارضات خانوادگی و کمبود حمایت‌های عاطفی، ازجمله عوامل مهم در افزایش گرایش جوانان هستند (خان، ۱۴۰۰؛ صدیقی، ۱۳۹۷). همچنین، کاتلر (۱۳۹۳) بیان کرده است که خانواده می‌تواند نقش پیشگیرانه یا تسهیل‌کننده مصرف مواد را ایفا کند. بااین‌حال، مطالعات خانوادگی در افغانستان بیشتر به شهرهای بزرگ مانند کابل و هرات محدودشده و داده‌های مرتبط با مناطق کمتر مطالعه شده مانند پنجشیر بسیار محدود است.

عوامل اجتماعی نیز نقش قابل‌توجهی در گرایش به مصرف مواد دارند. فشار همسالان، دسترسی آسان به مواد مخدر و فقر، ازجمله مهم‌ترین عوامل اجتماعی هستند که نوجوانان را در معرض خطر قرار می‌دهند (تروکو، ۱۴۰۲؛ کامل، ۱۴۰۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد نوجوانانی که در محیط‌های پرتنش اجتماعی رشد می‌کنند یا همسالانشان مصرف‌کننده مواد هستند، احتمال گرایش به مصرف در آن‌ها افزایش می‌یابد.

عوامل فرهنگی و محیطی نیز نقش مهمی در گرایش جوانان دارند. ضعف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نبود آموزش‌های پیشگیرانه، سطح آسیب‌پذیری جوانان را افزایش می‌دهد (اقبال، ۱۴۰۴؛ مومند، ۱۳۹۹). فقدان برنامه‌های پیشگیرانه مؤثر، فرصت‌های محدود تفریحی و فرهنگی و هنجارهای ضعیف اجتماعی، زمینه‌ساز گرایش جوانان به مصرف مواد می‌شود.

مطالعات منطقه‌ای در کشورهای هم‌جوار نشان می‌دهند که ضعف نظارت والدین، فشار همسالان و فقر، از عوامل مؤثر بر گرایش جوانان هستند (خان، ۱۴۰۰؛ صدیقی، ۱۳۹۷؛ کامل، ۱۴۰۰). بااین‌حال، شرایط خاص افغانستان و خصوصاً ولایت پنجشیر به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی، ممکن است تفاوت‌هایی با کشورهای همسایه داشته باشد؛ بنابراین تعمیم مستقیم نتایج تحقیقات منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست. در افغانستان، مطالعات محدودی انجام‌شده است که عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی در گرایش جوانان به مواد مخدر را بررسی کرده‌اند. شایان (۱۴۰۱) و اقبال (۱۴۰۴) نشان داده‌اند که این عوامل در سطح ملی اهمیت دارند. مومند (۱۳۹۹) در هرات گزارش کرده است نوجوانان بی‌سواد و خانواده‌های کم‌درآمد بیشتر در معرض مصرف مواد هستند و کاتلر (۱۳۹۳) در کابل به نقش نبود فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی، فشار همسالان و مشکلات خانوادگی اشاره‌کرده است. بااین‌حال، هیچ‌یک از این تحقیقات داده‌های مستقیمی از ولایت پنجشیر ارائه نکرده‌اند.
با توجه به کمبود مطالعات محلی، تحلیل شرایط خاص پنجشیر ضروری است تا عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر شناسایی‌شده و راهکارهای پیشگیرانه مؤثر طراحی شود. این تحقیق در تلاش است تا با تمرکز بر بعد محلی، شکاف موجود در مطالعات ملی و منطقه‌ای را پر کند و به سیاست‌گذاران و خانواده‌ها اطلاعات علمی برای مداخلات پیشگیرانه ارائه دهد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پژوهش توصیفی–تحلیلی است. جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن ولایت پنجشیر است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و تصادفی ساده ترکیبی انجام شد. هدفمند به این دلیل که افراد باتجربه یا در معرض مواد مخدر در نظر گرفته شدند و تصادفی ساده برای

افزایش قابلیت تعمیم داده‌ها در میان جمعیت جوانان. تعداد نمونه نهایی برای پرسشنامه ۲۰۰ نفر و برای مصاحبه‌های عمیق ۲۰ نفر از افراد مطلع و کارشناسان اجتماعی انتخاب شدند. این حجم نمونه برای تحلیل آماری و شناسایی الگوهای رفتاری کافی است و مطابق با استانداردهای پژوهش‌های اجتماعی در سطح منطقه.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از دو ابزار اصلی استفاده شد: پرسشنامه محقق ساخته شامل ۴۰ سؤال بسته با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق، کاملاً موافق) بود. پرسش‌ها در چهار حوزه طراحی شدند: عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی. با ۲۰ نفر از جوانان و کارشناسان اجتماعی انجام شد. هدف از مصاحبه، تحلیل عمیق علل و پیامدهای گرایش جوانان به مواد مخدر و شناسایی راهکارهای پیشگیرانه بود. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و با رضایت داوطلبانه انجام شد و هر مصاحبه حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول کشید. پایایی و روایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرون باخ مورد امتحان‌داده گرفته که درنتیجه ۰.۸۷ تأیید شد که نشان‌دهنده اعتبار بالا است. برای تضمین اعتبار محتوا پرسشنامه و مصاحبه‌ها ازنظر اساتید بلند رتبه پوهنتون پنجشیر بررسی شد مورد تأیید قرار گرفت تا تفسیر نتایج دقیق و قابل‌اعتماد باشد.

روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

داده‌های کمی: داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSSنسخه ۲۶ تحلیل شد. روش‌های آماری شامل آمار توصیفی (درصد و فراوانی) برای بررسی ارتباط بین عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی و گرایش به مواد مخدر به کار رفت. داده‌های کیفی: داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) پردازش شد.(Braun & Clarke, 2006) مراحل تحلیل شامل کدگذاری اولیه، شناسایی مضامین، دسته‌بندی و تفسیر بود. ترکیب نتایج کمی و کیفی به پژوهشگر این امکان را داد که تحلیل جامع و عملیاتی از وضعیت گرایش جوانان به مواد مخدر ارائه دهد.

ملاحظات اخلاقی

تمام شرکت‌کنندگان به‌صورت داوطلبانه در مطالعه شرکت کردند و رضایت آگاهانه آنان قبل از جمع‌آوری داده‌ها اخذ شد. اطلاعات شخصی محرمانه نگه‌داشته شد و نتایج فقط به‌صورت گروهی و تجمیعی گزارش شدند.

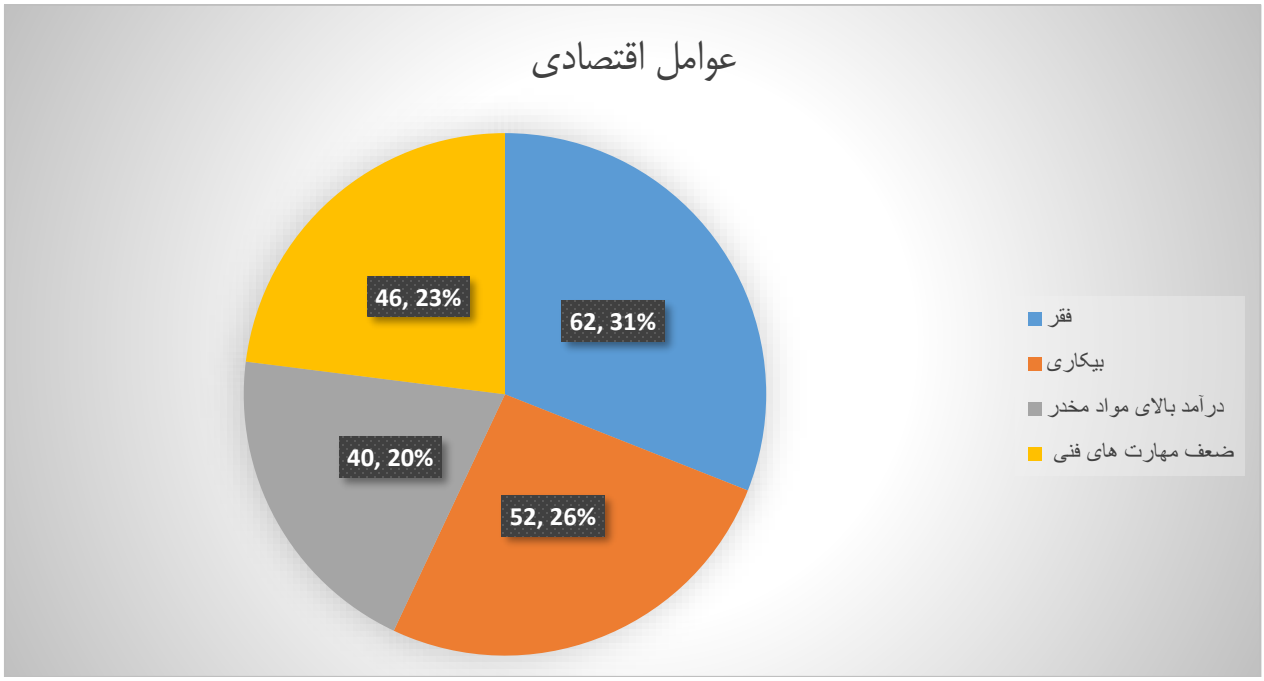
یافته‌های تحقیق

جدول (۴.۱): توزیع پاسخ‌ها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت همراه با میانگین و انحراف معیار

بُعد	گویه	کاملاً مخالف n(٪)	مخالف n (٪)	نظری ندارم n(٪)	موافق n (٪)	کاملاً موافق n(٪)	میانگین	انحراف معیار
اقتصادی	فقر	6(٪12)	9(٪18)	23(٪45)	37(٪74)	25(٪50)	3.66	1.17
	بیکاری	8(٪15)	11(٪22)	29(٪58)	32(٪63)	20(٪41)	3.45	1.19
	درآمد بالای قاچاق مواد	10(٪19)	14(٪28)	30(٪60)	28(٪55)	18(٪37)	3.31	1.22
	ضعف مهارت‌های فنی–حرفه‌ای	13(٪25)	17(٪34)	30(٪60)	25(٪49)	15(٪31)	3.12	1.25
خانوادگی	ضعف نظارت و حمایت والدین	9(٪18)	14(٪27)	38(٪76)	24(٪48)	15(٪30)	3.22	1.18
	تعارض‌های خانوادگی	10(٪20)	16(٪31)	37(٪74)	23(٪46)	14(٪28)	3.18	1.20

	احساس عدم امنیت در خانواده	15(٪29)	21(٪41)	41(٪82)	15(٪30)	8(٪17)	2.89	1.16
اجتماعی	فشار دوستان و همسالان	7(٪14)	10(٪20)	40(٪79)	28(٪55)	15(٪31)	3.34	1.15
	فقر و بیکاری (اجتماعی)	10(٪19)	17(٪33)	40(٪80)	22(٪43)	11(٪24)	3.07	1.17
	دسترسی آسان به مواد	13(٪26)	20(٪39)	40(٪79)	18(٪35)	9(٪20)	2.97	1.19
فرهنگی	نبود آموزش‌های پیشگیرانه	5(٪10)	8(٪16)	24(٪47)	37(٪74)	26(٪52)	**3.71**	1.14
	ضعف ارزش‌ها و باورهای فرهنگی	9(٪17)	13(٪25)	35(٪69)	28(٪55)	17(٪33)	3.36	1.18
	نبود برنامه‌های آگاهی‌بخشی عمومی	8(٪15)	12(٪23)	36(٪71)	28(٪56)	17(٪34)	۰3.4	۱.۱۶

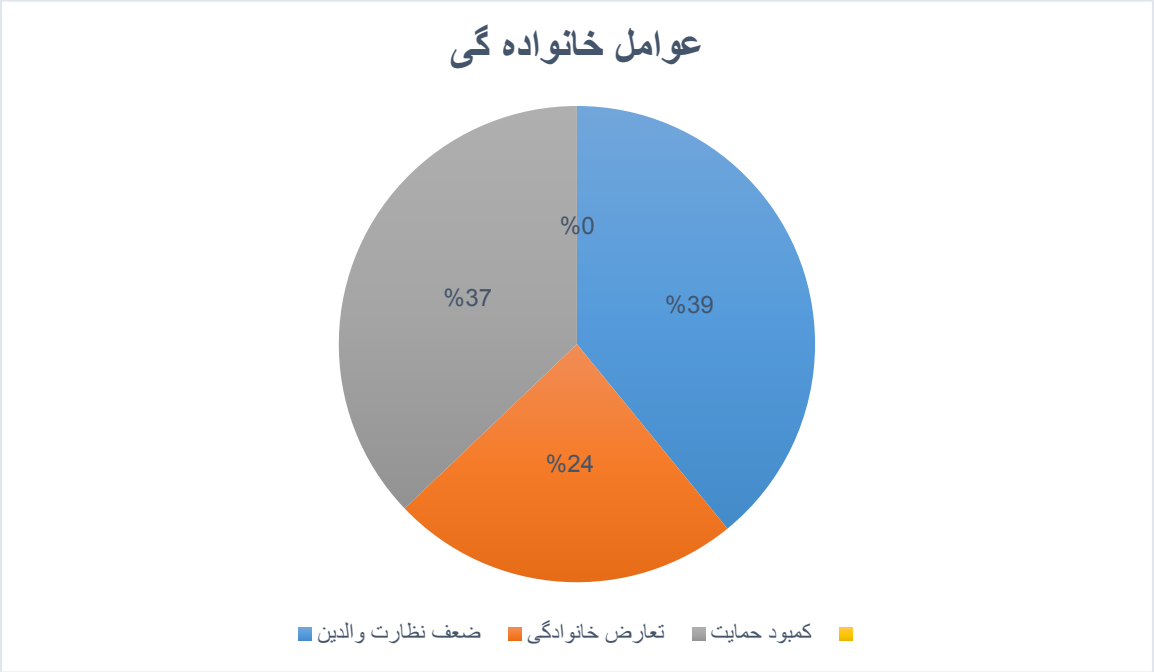
شکل (۴.۱) عوامل اقتصادی



شکل (۴.۱) نشان می‌دهد که فقر با ۶۲.۳۱ درصد (۱۲۴ نفر) بیشترین سهم را در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر دارد. پس‌ازآن، بیکاری با ۵۲.۲۶ درصد (۱۰۴ نفر) در جایگاه دوم قرارگرفته است. همچنین درآمد بالای ناشی از قاچاق و فروش مواد مخدر از دیدگاه پاسخ‌دهندگان با 46.23 درصد (۹۲ نفر) یکی از عوامل نسبتاً مهم محسوب می‌شود. در مقابل، ضعف مهارت‌های فنی و حرفوی با 40.20 درصد (۸۰ نفر) کمترین نقش را در این زمینه داشته و در ردیف پایین‌ترین عوامل مؤثر قرارگرفته است. این یافته‌ها بیانگر آن است که عوامل اقتصادی همچون فقر و بیکاری بیش از سایر متغیرها در شکل‌گیری و تشدید تمایل جوانان به مواد مخدر نقش دارند. درواقع، نبود فرصت‌های شغلی پایدار، نداشتن منبع درآمد مشروع و شرایط دشوار معیشتی، زمینه‌ساز پناه بردن جوانان به اعتیاد به‌عنوان نوعی واکنش روانی و اجتماعی به فشارهای اقتصادی است. از سوی دیگر، جذابیت مالی ناشی از درآمد بالای مواد مخدر برای قشر بیکار و فقیر جامعه، به‌عنوان یک عامل وسوسه‌برانگیز عمل کرده و باعث

تقویت چرخه گرایش به مواد می‌شود. تحلیل این نتایج نشان می‌دهد که فقر و بیکاری نه‌تنها علل اقتصادی بلکه ریشه‌های اجتماعی و ساختاری اعتیاد به شمار می‌روند. این دو عامل به‌صورت زنجیره‌ای به کاهش امید اجتماعی، بی‌انگیزگی و ناامیدی از آینده منجر می‌شوند که درنهایت فرد را به سمت مواد مخدر سوق می‌دهند. هرچند ضعف مهارت‌های فنی و حرفوی در ظاهر نقش کمتری دارد، اما می‌توان گفت این ضعف در درازمدت با ایجاد ناتوانی در اشتغال‌زایی، به‌صورت غیرمستقیم به افزایش گرایش به اعتیاد کمک می‌کند؛ بنابراین، برای کاهش این پدیده، سیاست‌های مبارزه با فقر، ایجاد اشتغال و آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و فنی باید در اولویت برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی دولت قرار گیرد.

شکل (۴.۲) ضعف نظارت والدین و کمبود حمایت خانوادگی

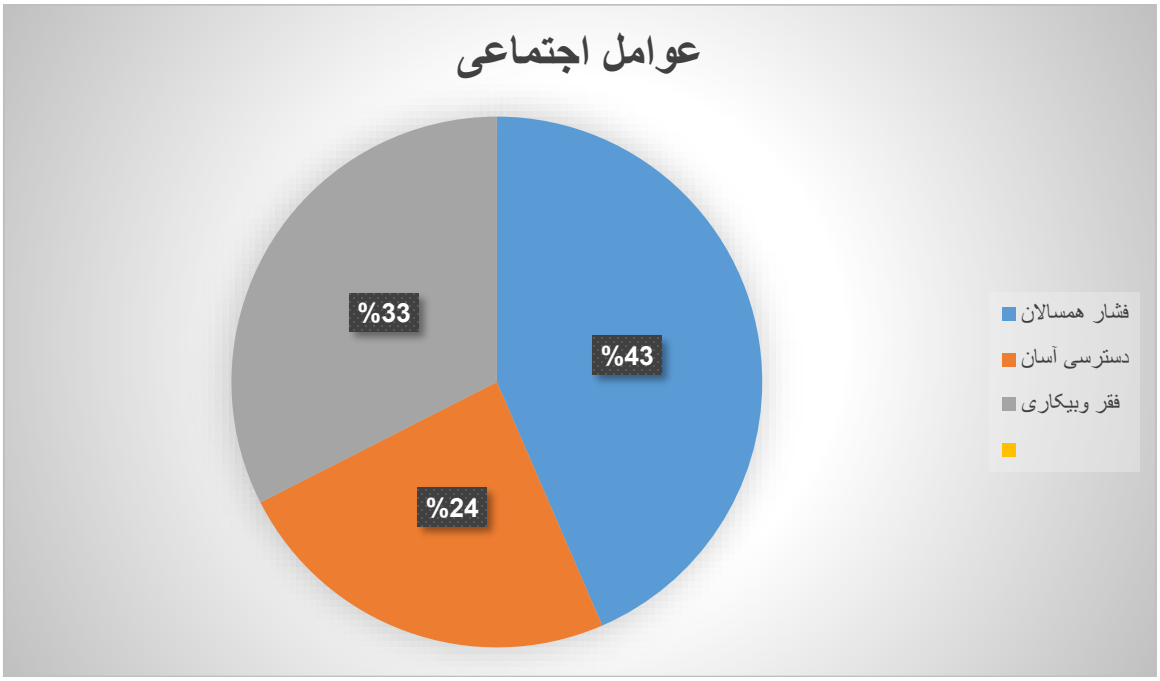


شکل (۴.۲) نشان می‌دهد که ضعف نظارت والدین و کمبود حمایت خانوادگی با ۳۹ درصد (۷۸ نفر) بیشترین سهم را در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر دارند. پس‌ازآن، تعارض‌های خانوادگی با ۳۷ درصد (۷۴ نفر) در جایگاه دوم قرارگرفته‌اند. در مقابل، احساس عدم امنیت و حمایت ناکافی در محیط خانواده **با** ۲۴ درصد (۴۷ نفر) کمترین میزان تأثیر را در میان عوامل خانوادگی داشته است.

این یافته‌ها بیانگر آن است که محیط خانواده نقش بنیادینی در پیشگیری یا تشدید گرایش جوانان به اعتیاد دارد. وقتی والدین نظارت کافی بر رفتار، دوستان و اوقات فراغت فرزندان خود ندارند **یا** حمایت عاطفی و روانی لازم را فراهم نمی‌سازند، احساس بی‌توجهی و طرد در فرزندان ایجاد می‌شود. این وضعیت زمینه را برای جست‌وجوی پناهگاه‌های جایگزین ـ مانند دوستان ناباب یا مصرف مواد ـ فراهم می‌کند. همچنین، وجود تعارض‌ها و درگیری‌های خانوادگی می‌تواند به کاهش انسجام عاطفی در خانواده و افزایش احساس ناامنی روانی در میان جوانان بینجامد.

تحلیل نتایج نشان می‌دهد که خانواده، نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی در شکل‌گیری رفتار جوانان است. ضعف در مراقبت والدین، نبود ارتباط مؤثر میان اعضای خانواده و کمبود حمایت‌های روانی و آموزشی، از عوامل پنهان اما بسیار مؤثر در افزایش خطر اعتیاد به شمار می‌روند. در مقابل، خانواده‌هایی که از روابط عاطفی گرم، نظارت آگاهانه و ارتباط باز میان والدین و فرزندان برخوردارند، می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد ایفا کنند. بنابراین، نتایج شکل (۴.۲) **بر** ضرورت تقویت نظام تربیت خانوادگی، آموزش والدین در زمینه نظارت مؤثر و مهارت‌های ارتباطی و ارتقای حمایت‌های اجتماعی و روانی از خانواده‌ها تأکید دارد.

شکل (۴.۳) عوامل اجتماعی



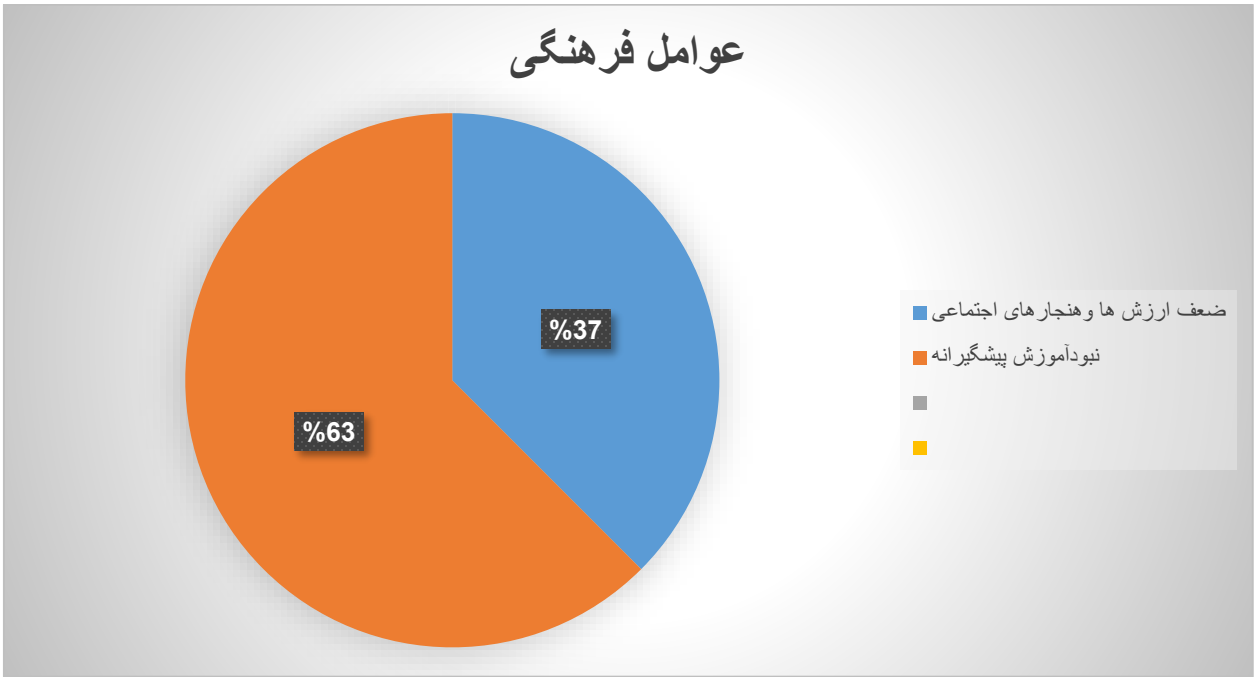
نتایج ارائه‌شده در شکل (۴.۳) نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی نقش برجسته‌ای در گرایش به مصرف مواد مخدر ایفا می‌کنند. بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده، ۴۳ درصد (۸۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان فشار همسالان را به‌عنوان عامل مؤثرترین متغیر در تمایل به مصرف مواد معرفی کرده‌اند؛ این میزان، فشار همسالان را به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عامل اجتماعی برجسته می‌سازد. علاوه بر آن، ۳۳ درصد (۶۶ نفر) از شرکت‌کنندگان، وضعیت اقتصادی (فقر و بیکاری) را به‌عنوان زمینه‌ساز عمده گرایش به مواد گزارش داده‌اند و ۲۴ درصد (۴۷) دسترسی آسان به مواد را به‌عنوان عاملی که تسهیل‌کننده گرایش است شناسایی کرده‌اند.

این توزیع درصدی حکایت از آن دارد که گرایش به مواد در این نمونه بیشتر از آنکه معلول عوامل فردی منفرد باشد، در چارچوب روابط و ساختارهای اجتماعی قابل‌فهم است. فشار همسالان معمولاً از طریق سازوکارهای هنجار سازی گروهی، مدل پذیری رفتاری و انگیزش برای پذیرش رفتارهای پرخطر عمل می‌کند؛ به‌ویژه در جمعیت جوان که تعلق به گروه و پذیرش اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر، فقر و بیکاری با ایجاد ناامیدی، کاهش فرصت‌های مشروع کسب درآمد و افزایش فشارهای روانی، زمینه مناسب برای فرار از واقعیت و گرایش به رفتارهای مخاطره‌آمیز ازجمله مصرف مواد را فراهم می‌آورد. دسترسی آسان به مواد نیز نقش تسهیل‌کننده دارد؛ به‌طوری‌که حتی در صورت نبود انگیزه قوی، سهولت تهیه مواد می‌تواند احتمال تجربه نخستین مصرف و تداوم آن را افزایش دهد.

از منظر مداخلات پیشگیرانه، یافته‌ها دلالت روشنی بر لزوم اتخاذ رویکردی چند سطحی و جامع دارند. نخست، برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی مهارت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری در میان نوجوانان و جوانان باید اولویت یابند تا مقاومت در برابر فشار همسالان تقویت شود. دوم، اقدامات اجتماعی–اقتصادی مانند سیاست‌های اشتغال‌زایی محلی، برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و حمایت‌های معیشتی می‌توانند با کاهش فقر و بیکاری، بار زمینه‌های ساختاری گرایش را کاهش دهند. سوم، کنترل عرضه و محدودسازی دسترسی به مواد از طریق تقویت نظارت محلی، همکاری نهادهای انتظامی و ایجاد محیط‌های امن در سطح محله‌ها و مراکز تفریحی ضروری است. درنهایت، مداخلات مؤثر نیازمند هماهنگی دستگاه‌های آموزشی، بهداشتی، اجتماعی و انتظامی و نیز مشارکت فعال خانواده‌ها و جوامع محلی است.

درنتیجه، شواهد شکل ۴.۳ نشان می‌دهد که هرگونه سیاست یا برنامه پیشگیرانه که صرفاً به رفتار فردی توجه کند و عوامل اجتماعی ـ ساختاری را نادیده بگیرد، احتمالاً نتایج پایداری نخواهد داشت؛ برای تضمین اثربخشی، توجه ویژه به عوامل گروهی، اقتصادی و محیطی ضرورت دارد.

شکل (۴.۴) عوامل فرهنگی



بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از شکل (۴.۴) عوامل فرهنگی نیز در گرایش به مصرف مواد مخدر نقش چشم‌گیری دارند. داده‌ها نشان می‌دهند که نبود آموزش‌های پیشگیرانه با ۶۳ درصد (۱۲۵ نفر) به‌عنوان عمده‌ترین ضعف فرهنگی از دید پاسخ‌دهندگان شناخته‌شده است. همچنین، ضعف ارزش‌ها و باورهای فرهنگی در جایگاه دوم قرار دارد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در کاهش مقاومت فرهنگی جامعه در برابر گرایش به مواد مطرح‌شده است. علاوه بر آن، نبود برنامه‌های مؤثر آموزشی و آگاه‌سازی عمومی به‌عنوان دومین ضعف عمده فرهنگی تأکید شده است که نشان از کمبود نظام‌مند آموزش‌های پیشگیرانه در سطوح خانوادگی، اجتماعی و آموزشی دارد.

این یافته‌ها بیانگر آن‌اند که بستر فرهنگی جامعه، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با مصرف مواد دارد. نبود آموزش‌های پیشگیرانه سبب می‌شود که نسل جوان از آگاهی لازم درباره پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی مصرف مواد برخوردار نباشد و درنتیجه، در برابر وسوسه‌ها و فشارهای محیطی آسیب‌پذیرتر شود. از سوی دیگر، ضعف ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی—از قبیل کاهش احساس مسئولیت اجتماعی، ضعف باورهای دینی و اخلاقی و سست شدن پیوندهای خانوادگی—می‌تواند به کاهش کنترل درونی و بیرونی منجر گردد و زمینه گرایش به رفتارهای پرخطر را فراهم آورد.

از دیدگاه تحلیلی، این یافته‌ها تأکیددارند که تقویت بنیان‌های فرهنگی و آموزشی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با اعتیاد است. طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی (مانند مهارت تصمیم‌گیری، حل مسئله، خودکنترلی و مقاومت در برابر فشار همسالان) در مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری ایفا کند. افزون بر آن، احیای ارزش‌های فرهنگی و دینی، تقویت هنجارهای اجتماعی و برگزاری برنامه‌های آگاهی‌بخشی از طریق رسانه‌ها، مساجد و شوراهای محلی می‌تواند زمینه‌های فرهنگی گرایش به مواد را تضعیف نماید.

درمجموع، یافته‌های شکل ۴.۴ نشان می‌دهد که گرایش به مواد صرفاً نتیجه ضعف فردی یا اقتصادی نیست، بلکه محصول فقدان آموزش‌های پیشگیرانه و تضعیف ارزش‌های فرهنگی در جامعه است .ازاین‌رو، راهبردهای مؤثر پیشگیری باید بر محور تقویت آموزش، ارتقای آگاهی عمومی و بازسازی نظام ارزشی جامعه استوار باشد تا بتواند در درازمدت از گسترش پدیده اعتیاد جلوگیری کند.

داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) پردازش شد.(Braun & Clarke, 2006) مراحل تحلیل شامل کدگذاری اولیه، شناسایی مضامین، دسته‌بندی و تفسیر بود که به واسط نرم‌افزارNVivo 15 انجام‌شده است.

۲-۴ جدول خلاصه یافته‌های کیفی

مضامین اصلی		شرح یافته‌ها
نقش همسالان و محیط اجتماعی		تأثیر دوستان و گروه همسالان برجسته‌ترین محرک گرایش است.
مشکلات خانوادگی و نبود حمایت		کمبود حمایت والدین و تعارض خانوادگی زمینه‌ساز گرایش می‌شود.
انگیزه‌های فردی و روانی		استرس، اضطراب و کنجکاوی عامل مهم است.
پیامدها		کاهش انگیزه تحصیلی، آسیب روانی، رفتارهای پرخطر

جدول 4.2 تحلیل کیفی داده‌ها نشان می‌دهد که نقش همسالان و محیط اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش جوانان به مواد مخدر است. یکی از مصاحبه‌شوندگان جوان ۲۰ ساله در این زمینه می‌گوید "اگر با دوستانت نکشی، مسخره‌ات می‌کنند. برای اینکه از جمع عقب نمانی، مجبور می‌شوی سیالی کنی " (کدj4).

مصاحبه‌ها با جوانان و کارشناسان اجتماعی نشان داد که فشار دوستان و گروه همسالان، تمایل به تجربه مواد جدید و پذیرش رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد .این یافته‌ها بیانگر اهمیت مداخلات اجتماعی و ایجاد محیط حمایتی و نظارتی برای کاهش تأثیر همسالان است.

مشکلات خانوادگی و نبود حمایت نیز به‌عنوان دومین مضمون اصلی شناسایی شد .یک از مصاحبه‌شوندگان ۲۲ ساله بیان می‌کند:" در خانه کس حالم را سؤال نمی‌کند. بیشتر وقت‌ها با دوستانم در بیرون هستم. همراه آن‌ها بار اول مواد را امتحان کردم."(کد: E5) کمبود حمایت والدین، ضعف نظارت و تعارض‌های خانوادگی، احساس ناامنی و کمبود منابع عاطفی را برای جوانان ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز گرایش به مصرف مواد است .این یافته‌ها بر نقش کلیدی خانواده در پیشگیری و هدایت صحیح جوانان تأکیددارند و ضرورت آموزش والدین و تقویت حمایت‌های خانوادگی را نشان می‌دهد.

تحلیل داده‌ها همچنین نشان داد که انگیزه‌های فردی و روانی، ازجمله استرس، اضطراب و کنجکاوی، محرک‌های مهم گرایش به مواد مخدر هستند. یکی از مصاحبه‌شوندگان جوان بر این باور است که " اعتیاد فقط مشکل اقتصادی نیست؛ بلکه اعتیاد احساس بی‌ارزشی و رانده‌شدگی اجتماعی است که زمینه اعتیاد را فراهممی کنه."(کدE3)جوانانی که با فشارهای روانی مواجه هستند یا به دنبال تجربه و هیجان جدید می‌گردند، بیشتر در معرض خطر قرار دارند .این یافته‌ها بیانگر اهمیت ارائه برنامه‌های روان‌شناختی، مهارت‌های مقابله‌ای و آموزش مدیریت هیجان برای کاهش گرایش جوانان است.

پیامدهای گرایش به مواد مخدر نیز یکی از مضامین کلیدی بود .داده‌های مصاحبه نشان داد که کاهش انگیزه تحصیلی، بروز مشکلات روانی مانند افسردگی و اضطراب و رفتارهای پرخطر ازجمله پیامدهای مستقیم گرایش به مواد هستند .این یافته‌ها بر ضرورت برنامه‌های پیشگیرانه جامع و اقدامات حمایتی در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید می‌کنند.

جمع‌بندی یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که گرایش جوانان به مواد مخدر پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر همسالان، خانواده، عوامل فردی و روانی قرار دارد و پیامدهای اجتماعی و روانی قابل‌توجهی به همراه دارد .این نتایج تأکید می‌کنند که برنامه‌های پیشگیری باید چندجانبه و هماهنگ با واقعیت‌های اجتماعی، خانوادگی و فردی طراحی شوند تا اثرگذاری واقعی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر در پنجشیر یک چالش جدی اجتماعی و صحی است که سلامت جسمانی و روانی آنان را تهدید می‌کند. داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه‌ها، به‌ویژه درصد قابل‌توجهی از پاسخ‌دهندگان که مصرف مواد مخدر یا آشنایی نزدیک با مصرف‌کنندگان را گزارش کرده‌اند، نشان می‌دهد که این موضوع گستردگی قابل‌توجهی دارد.

تحلیل کیفی مصاحبه‌ها و گفتگو با جوانان و کارشناسان محلی نیز بیانگر آن است که عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در گرایش به مواد دخیل هستند. بسیاری از جوانان به دلیل نبود فرصت‌های شغلی، ضعف نظارت خانواده و فشارهای اجتماعی به مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند. یکی دیگر از نتایج برجسته تحقیق، نقش تأثیرپذیری همسالان در مصرف مواد مخدر است. جوانانی که در جمع دوستانی که مصرف مواد دارند قرار می‌گیرند، احتمال گرایش بیشتری به مصرف دارند که این مسئله نشان‌دهنده اهمیت شبکه‌های اجتماعی و همسالان در شکل‌دهی رفتارهای پرخطر است.

تحقیق همچنین نشان می‌دهد که آگاهی ناکافی درباره خطرات جسمانی و روانی مواد مخدر، یکی از دلایل اصلی مصرف در میان جوانان است. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به کمبود آموزش‌های پیشگیرانه و برنامه‌های آگاهی‌بخش اشاره‌کرده‌اند که نشان‌دهنده ضرورت تقویت برنامه‌های آموزشی در مدارس و جامعه است. یافته‌های کمی و کیفی هر دو حاکی از این هستند که فقر و بیکاری در پنجشیر، به‌ویژه در میان جوانان، عاملی مهم در گرایش به مواد مخدر است. فقدان فرصت‌های درآمدزایی و فعالیت‌های سازنده باعث می‌شود جوانان برای فرار از مشکلات روانی و اجتماعی به مصرف مواد روی‌آورند. حمایت اجتماعی، نقش خانواده و جامعه در پیشگیری از مصرف مواد مخدر نیز اهمیت زیادی دارد. مصاحبه‌ها نشان داد که خانواده‌هایی که روابط صمیمانه و نظارت فعال دارند، شانس کمتری برای گرایش فرزندانشان به مواد دارند. این یافته‌ها ضرورت برنامه‌های حمایت اجتماعی و ارتقای مهارت‌های والدگری را برجسته می‌کند.

علاوه بر این، تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌های پیشگیرانه فعلی در سطح جامعه ناکافی و پراکنده است و نیاز به رویکردی جامع و چندجانبه وجود دارد. ترکیبی از آموزش، مشاوره، ایجاد فرصت‌های شغلی، فعالیت‌های ورزشی و تفریحی و سیاست‌های حمایتی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش گرایش جوانان به مواد داشته باشد. درمجموع، تحقیق تأکید می‌کند که گرایش جوانان به مواد مخدر یک مسئله پیچیده و چندبعدی است که نیازمند اقدام هماهنگ بین دولت، جامعه مدنی، خانواده‌ها و نهادهای آموزشی است. برنامه‌های بلندمدت آموزشی و پیشگیرانه همراه با حمایت اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به کاهش این پدیده و ارتقای سلامت جامعه در پنجشیر کمک کند.

پیشنهادها

۱- تقویت آموزش‌های پیشگیرانه در نظام آموزشی

یافته‌ها نشان می‌دهد نبود آموزش هدفمند، زمینه گرایش جوانان به مواد مخدر را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، ادغام برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر مهارت‌های زندگی، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی روانی در مدارس و پوهنتون‌ها ضروری است.

۲- توسعه اشتغال و مهارت‌آموزی جوانان

بیکاری و فقدان آینده شغلی روشن از عوامل مهم گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر است. گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و حمایت از کارآفرینی جوانان می‌تواند نقش مؤثری در کاهش این آسیب اجتماعی داشته باشد.

۳- توانمندسازی خانواده در پیشگیری اجتماعی

ضعف نظارت و حمایت خانوادگی احتمال گرایش جوانان به مواد مخدر را افزایش می‌دهد. آموزش والدین درزمینه مهارت‌های فرزند پروری و افزایش آگاهی آنان از نشانه‌های مصرف مواد، نقش پیشگیرانه خانواده را تقویت می‌کند.

٤- هماهنگی نهادی برای کاهش دسترسی و آگاهی‌بخشی

کاهش دسترسی به مواد مخدر مستلزم همکاری مؤثر نهادهای دولتی، محلی و امنیتی است. اجرای هم‌زمان نظارت و برنامه‌های آگاه‌سازی عمومی، اثربخشی سیاست‌های پیشگیرانه را افزایش می‌دهد.

٥- تقویت برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی برای جوانان

کمبود فعالیت‌های سالم فرهنگی و اجتماعی از عوامل گرایش به رفتارهای پرخطر است. توسعه برنامه‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی هدفمند می‌تواند جایگزین مناسبی برای اوقات فراغت جوانان فراهم سازد.

منابع و ماخذ

1. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*(2), 77–101. https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa
2. Cottler, L. B. (2014). *Addiction psychiatry: Understanding the social and family context*. Springer.
3. Creswell, J. W. (2018). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (5th ed.). SAGE Publications.
4. Hosseini, S., Rezai, F., & Ahmadi, S. (2019). Multidimensional factors influencing youth substance abuse. *Journal of Global Addiction Studies, 7*(1), 45–60.
5. Iqbal, M. (2025). Cultural determinants in youth drug use: A regional study. *Asian Journal of Social Research, 12*(1), 33–52.
6. Johnson, R. B., & Onwuegbuzie, A. J. (2004). Mixed methods research: A research paradigm whose time has come. *Educational Researcher, 33*(7), 14–26. https://doi.org/10.3102/0013189X033007014
7. Kamel, A. (2021). Peer influence and family factors in adolescent drug use in Arab countries. *Middle East Journal of Social Sciences, 9*(2), 88–104.
8. Khani, A., salihi, R., & Sediqi, R. (2019). Individual and social consequences of youth addiction. *International Journal of Behavioral Studies, 5*(3), 101–115.
9. Khan, S. (2021). Family supervision and peer pressure as predictors of adolescent drug abuse in Pakistan. *Journal of South Asian Studies, 14*(4), 56–72.
10. Momand, H. (2020). Socioeconomic and cultural determinants of youth drug abuse in Herat, Afghanistan. *Afghan Journal of Social Research, 2*(1), 12–30.
11. Molavi, P., & Rasoulzadeh, B. (2004). Examining factors influencing youth tendency toward drug use. *Quarterly Journal of Mental Health Principles*, 49–55.
12. Mohammadi, M., Jazayeri, A., Rafiei, A., Jokar, B., & Pourshahbaz, A. (2006). Investigating resilience factors in individuals at risk of substance abuse. *Tabriz University Journal of Psychology Research,* 193–210.
13. Nawi, A. (2021). Coping skills and adolescent substance use: A review of evidence. *Journal of Youth Studies, 11*(2), 22–39.
14. Rahimi, F., & Ahmadi, S. (2020). Family and social influences on youth drug consumption. *Journal of Behavioral Health, 8*(2), 55–70.
15. Rezaei, F., Ahmadi, S., & Salimi, N. (2021). The role of family in preventing youth addiction. *Iranian Journal of Social Studies, 15*(2), 78–94.
16. Safi, A., & Mohammadi, R. (2020). Social and psychological effects of substance abuse in youth. *Journal of Afghan Social Research, 5*(1), 33–49.
17. Sediqi, R. (2018). Socioeconomic challenges and youth addiction in Iran. *Iranian Journal of Behavioral Studies, 10*(1), 66–81.
18. Shayan, A. (2022). Youth substance use in Afghanistan: A socio-cultural perspective. *Afghan Journal of Public Health, 7*(1), 15–28.
19. Trucco, E. M. (2023). Adolescent risk behaviors and peer influence. *Journal of Youth and Adolescence, 52*(5), 950–965. https://doi.org/10.1007/s10964-023-01789-4
20. Whitesell, N. R. (2013). Developmental factors in adolescent substance use. *Journal of Adolescent Health, 52*(6), 715–722. https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2013.02.005
21. Shayan, M. (2022). Factors contributing to youth addiction in Kabul: A mixed-method approach. *Afghan Journal of Psychology, 3*(2), 73–89.
22. Trucco, E. M. (2023). Peer and family influences on adolescent substance use: A developmental perspective. *Developmental Psychology Review, 18*(1), 1–15.
23. Whitesell, M. (2013). Individual risk factors for adolescent substance use. *Annual Review of Clinical Psychology, 9*(1), 249–276 .

Analysis of Factors Contributing to Drug Use among Youth Aged 18–30: A Case Study of Panjshir Province

Sayed Zahir Nazemi[1], Mohammad Sediq Sediqi, and Rohallah Nazimi

Abstract

The tendency of young people to use drugs is considered one of the major social problems in Afghanistan, particularly in Panjshir Province, with widespread consequences at individual, familial, and societal levels. This study was conducted to identify the causes of youth inclination toward drug use, the underlying contributing factors, and the resulting consequences. The research employed a mixed-methods (qualitative–quantitative) approach. Data were collected through structured questionnaires and semi-structured interviews. The participants consisted of 200 youths aged 18–30, and 20 individuals were selected for in-depth interviews from both urban and rural areas of Panjshir Province. The findings indicate that economic factors play the most significant role in youth inclination toward drug use. Poverty (62.31%) and unemployment (52.26%) were identified as the most influential factors, while the high income derived from drug trafficking was also reported as a strong tempting factor. At the family level, weak parental supervision and lack of emotional support (39%), along with family conflicts (37%), were found to have the greatest impact, highlighting the fundamental role of the family in either preventing or exacerbating addiction. In the social dimension, peer pressure (43%) emerged as the most prominent factor, followed by economic conditions and easy access to drugs, demonstrating the importance of the social environment and peer groups in shaping such behavior. In the cultural dimension, the lack of preventive education (63%) and the weakening of cultural values and beliefs were identified as key factors, reflecting insufficient awareness and diminished cultural control within society. Qualitative findings derived from thematic analysis further confirmed these results, emphasizing the role of peers, family problems, and individual motivations (such as stress and curiosity). Moreover, the consequences of this tendency include decreased educational participation, psychological harm, increased family tensions, and the spread of high-risk social behaviors. The findings of this study can serve as a scientific foundation for developing preventive policies, educational planning, and implementing supportive strategies at both local and national levels to reduce drug use among youth.

Keywords: Drugs, Factors, Panjshir, Social factors, Youth.

[1] Academic Staff Member of Education Faculty, Panjshir University, Panjshir, Afghanistan, z.nazimi 2017@ gmail.com